

ترجمه ادبیات کودک و نوجوان در حوزه زبان‌های رایج در اسپانیا

Mónica Domínguez Pérez

Monicado @ USC.es

■ مونیکا دومینگز پرز

دانشگاه سانتیاگو د کومپوستلا

ادبیات گایگو و باسک می‌شود. چند سامانه کاتالان، یک جایگاه میانی و حد وسط را اشغال می‌کند، ولی در این جا فرعی تلقی خواهد شد؛ چرا که به ادبیات گایگو و باسک بسیار نزدیک است. رابطه موجود میان همه این‌ها، بسیار تنگاتنگ است و این فقط به علت همزیستی میان ادبیات کودک و نوجوان کاستیانا و بقیه (هر کدام در حیطه سلطه خود) نیست. به علاوه، ترجمه‌های انجام شده بین این قلمروهای ادبی، بسیار زیاده‌تر از آن است که بتوان آن را با تکیه بر حاشیه‌ای بودن بعضی از آن‌ها، توضیح داد.

یکی از ویژگی‌های جامعه ادبیات بینابینی تخصصی، این است که یک هویت خاص متوازی با ادبیات ملی می‌سازد. به عنوان مثال، هویت فرهنگی اسپانیا که توسط نهادهای دولتی و حکومتی طرح‌ریزی شده، با هویت میهن پرستانه برخی از گروه‌های اجتماعی - فرهنگی، در مغایرت است. بدون شک بسیاری از اعضای این گروه‌ها، خود را اسپانیایی و در عین حال کاتالان، گایگو و باسک هم به حساب می‌آورند. بدین ترتیب، هویت‌های ملی می‌توانند هم از یکدیگر پیشی

در این پژوهش، روابط موجود میان ادبیات کودک و نوجوان حوزه‌های زبانی مختلف کشور اسپانیا که از طریق ترجمه‌های متقابل ایجاد شده است، به نحو کلی بررسی خواهد شد.

زمینه و پایه‌های تئوریک این پروژه، روی درک حوزه ادبی اسپانیا، به عنوان یک جامعه ادبیات بینابینی تخصصی (CIE) (ج.ا.ب.ت) و هم‌چنین به عنوان یک ابر - چند سامانه (همان‌طور که Eiven - zohar (۴۸: ۱۹۹۰) از آن یاد می‌کند) استوار است.

منظور، یک مجموعه از سامانه‌هایی (شامل ادبیات مرکزی و حاشیه‌ای) است که میان خود واکنش نشان می‌دهند و به صورت یکسانی هم مرکز و هم حاشیه یک ابر - چند سامانه‌اند. از عنوان Durisin^۱ (۱۹۹۳) برای اشاره به نوع خاصی از ابر - چندسامانه‌ها استفاده خواهیم کرد؛ یعنی ابر - چند سامانه‌ای که رابطه میان ادبیات موجود در آن، نسبت به موارد دیگر، بسیار عمیق‌تر و تنگاتنگ‌تر است.

ادبیات اصلی یا مرکزی اسپانیا، ادبیات کاستیاناست و ادبیات فرعی یا حاشیه‌ای، شامل

Carmela mayor - Spain



عنوان اثری که نقش بل ارتباطی را برای یک ترجمه غیرمستقیم دارد، بهره جوید. بدین ترتیب، یک مجموعه عملکرد برای نزدیکی یا دوری بین ادبیات موجود در این جامعه صورت می‌گیرد که ثمره آن باگذشت زمان، تکامل جامع و فراگیر خواهد بود.

بدین ترتیب، زمانی که در ادبیات گایگو ترجمه‌هایی از آثاری که در گذشته چاپ نشده بودند (مثلاً ۱۹۲۲ لونی چیشولم) انجام می‌شود، هدف گشودن راه‌های دیگری برای وارد کردن الگوها و گشودن راه‌های ویژه‌ای برای ادبیات حاشیه‌ای است. به این ترتیب، دوری از جامعه ادبیات بینابینی و استقلال این ادبیات از همسایگان خود (ادبیات‌های دیگر) پیش می‌آید.

بگیرند و هم با هم تلفیق شوند و با وجود این که همه آن‌ها از این هویت دفاع نمی‌کنند، حداقل تصویری از جامعه ادبیات بینابینی تخصصی، در ذهن خود دارند و هم چنین از تعلق به آن آگاهند.

چنین تصویری، تکامل انواع ادبیات تشکیل دهنده این جامعه را در پی داشته؛ چرا که تأثیر متقابلی را میان آن‌ها به صورت پیوسته ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، زمانی که یک ویراستار باسک، تصمیم به ترجمه یک اثر به زبان ائوسکرا (Euskera) می‌گیرد، این مسئله را که آیا این اثر قبلاً به زبان‌های دیگری از این جامعه ادبیاتی ترجمه شده است یا نه، بررسی می‌کند. حال ممکن است برای پرهیز از تطابق اتفاقی عناوین، از ترجمه اثر صرف‌نظر کند و یا شاید از آن به

اما دوری و ایجاد فاصله در یک جامعه ادبیات بینابینی، کار آسانی برای عاملان و دست اندرکاران ادبیات حاشیه‌ای نیست؛ چرا که شرایط اقتصادی، اجتماعی و غیره در این میان نقش به‌سزایی دارد

سطح مطالعه و اعتدال (زبانی و ادبی) مطابقت ندارد. کاستیانو (زبان غالب) هنوز هم برای اکثر مصرف کنندگان این چند سامانه‌ها، زبان اصلی و غالب تلقی می‌شود.

زمانی که بر عکس، عاملان ادبی به دنبال نزدیکی به جامعه ادبیات بینابینی تخصصی هستند، تعداد ترجمه‌ها میان اعضای تشکیل دهنده، رو به افزایش می‌گذارد.

در این راستا، از بین استراتژی‌های دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان کاستیانو، می‌توان از ترجمه کردن متون خود برای صادر کردن آن‌ها به چند سامانه‌های دیگر نام برد؛ هر چند این کار را با همکاری انتشارات و ناشران بومی انجام دهند. در ضمن، به وارد کردن آثار ترجمه شده چند سامانه‌های دیگر هم متوسل می‌شوند که بدان وسیله می‌توان اهداف مختلفی را تحقق بخشید. از طرفی، اثر اصلی با بازارهای دو زبانه وارد عرضه رقابت می‌شود (مانند بازار کاتالونیا، گالیسیا و ائوسکادی) و از طرف دیگر، دسترسی به منبع دیگری برای نوآوری ممکن می‌شود که گزینه دیگری است در کنار آثار خارجی که وارد سامانه ادبی شده‌اند. به علاوه، این ترجمه‌ها مستلزم افزایش تعداد آثار ترجمه شده و تعداد چند سامانه‌های بومی است و بایستی به آن‌ها به عنوان تولیداتی که به سوی خارج از کشور متمایلند، نگاه شود؛ همان‌طور که برای Atxaga در ادبیات کاستیانو اتفاق افتاده است (lopez (2001: 261). ادبیات کودک و نوجوان کاستیانو، بدین ترتیب و بدون شک، خطر از دست دادن جایگاه مرکزی را (اگر ادبیات حاشیه‌ای به قدری گسترده شود که بتواند این جایگاه را از آن خود کند) به همراه خواهد داشت. به عنوان مثال، در حال حاضر سامانه کاستیانو، از ادبیات کودک و نوجوان گایگو که برای نو کردن فهرست عناوین

برخی عاملان و ناقلان ادبی، به نفع گردهمایی مجدد ادبیات خود در یک جامعه ادبیاتی متفاوت گام برمی‌دارند؛ مانند عاملانی که سعی در ادغام ادبیات گایگو و ورود آن به جامعه ادبیات بینابینی پرتغالی دارند و به همین دلیل، مدام آن را از زبان اسپانیایی دور می‌سازند.

اما دوری و ایجاد فاصله در یک جامعه ادبیات بینابینی، کار آسانی برای عاملان و دست اندرکاران ادبیات حاشیه‌ای نیست؛ چرا که شرایط اقتصادی، اجتماعی و غیره در این میان نقش به‌سزایی دارد. مثلاً ترجمه از بسیاری از زبان‌های خارجی (یعنی خارج از جامعه ادبیاتی)، مستلزم یک نیروی عظیم (و هزینه اقتصادی) است که همه فرهنگ‌های حاشیه‌ای قادر به انجام آن نیستند. حتی در صورتی که این کار را هم انجام بدهند، همیشه نمی‌توان به اعتدال (زبانی و ادبی) مورد نظر دست یافت؛ چرا که مصرف کنندگان به شکل توده‌ای و انبوه، به ادبیات مرکزی و غالب رجوع می‌کنند. این مورد آخر، موردی است که برای چند سامانه‌های گایگو و باسک پیش می‌آید. در این جا تلاش انجام شده برای ترجمه آثار (هر چند همیشه همراه با میل به دوری از جامعه ادبیاتی نیست)، با نتایج به دست آمده از

حمایت قرار می‌گیرد و به وسیله این ترجمه‌ها می‌توان تأثیرات متقابل آن‌ها را کنترل کرد و متون پرفرودارتر را متناسب و درخور ساخت (که ضمناً قادر به ارتقای وجهه چند سامانه نیز هستند) و همچنین (در برخی موارد و تا حد مشخص) می‌توان از کاربرد *No - traducción* یا «عدم ترجمه» هم پرهیز کرد. این تدبیر، بدون شک از طریق ناشران ادبیات کودک و نوجوان گایگو، آن طور که باید و شاید بهره‌برداری نشده (همین طور توسط ناشران باسک و کاتالان)؛ چرا که تا به حال ترجمه‌های بسیار کمی از ادبیات کودک و نوجوان کاستیانیوی مرکزی انجام داده‌اند. این درست است که ترجمه‌های زیادی از کاستیانیو به ادبیات‌های حاشیه‌ای وجود دارد، ولی این‌ها یا از طریق ناشران کاستیانیو و با همکاری نهادهای فرعی در فرهنگ‌های حاشیه‌ای انجام شده و یا از طریق چاپ‌های دو زبانه یا چند زبانه که انگیزه‌های نامشخص و متفاوتی پشت آن‌هاست. این مسئله اجازه توسل به نشر دوزبانه، به زبان کاستیانیو یا زبان دیگری را می‌دهد که از طریق

(دانش نامه) کاستیانیو مورد استفاده قرار می‌گیرد، تغذیه می‌کند.

این مسئله بدان معنا نیست که ادبیات گایگو، خود به خود به مرکزی مبدل شود، ولی می‌تواند به معنای این باشد که برخی از جایگاه‌هایی که قبلاً متعلق به ادبیات کاستیانیو بود، اکنون در اختیار چند سامانه گایگوست. همین اتفاق، به عنوان مثال برای جوایز ادبی در زمینه ادبیات کودک و نوجوان هم می‌افتد. (Neira 2001: 180)

در عین حال، گروه‌های ناشر حوزه کشوری (که معمولاً ریشه در ادبیات کودک و نوجوان کاستیانیو دارند)، از کمک‌های دولتی وزارت، برای ترجمه‌هایی میان زبان‌های رسمی کشور استفاده می‌کنند. (BOE 084, 8 abr. 1997: 11, 118- 11,121) همین طور به منظور خرید حقوق نویسنده برای کلیه زبان‌های رایج در اسپانیا و یا برای ترجمه، چه از کاستیانیو به زبان‌های حاشیه‌ای و چه برعکس. ناشرانی چون Edebe, SM, Edelvives و غیره از این گروه هستند.

بدین ترتیب، ادبیات‌هایی که در اقلیت قرار دارند، یا در دست داشتن ترجمه‌های بیش‌تر، می‌توانند بدون استفاده از کاستیانیو، در دسترسی به آثار ادبی همسایه و همچنین با ترویج هر چه بیش‌تر آثار خود، مورد حمایت قرار گیرند. در مقابل، دست اندرکاران چند سامانه کاستیانیو می‌توانند تصویرهای جامعه ادبیات بینابینی تخصصی و هر ادبیات دیگر را کنترل کنند، سنت ادبی خود را غنی‌تر سازند و نوعی همبستگی و اتحاد را در این جامعه نوید بدهند.

دست اندرکاران ادبیات حاشیه‌ای، به نوبه خود، می‌توانند به نفع نزدیکی کنترل شده به سمت این جامعه و درعین حال، به توسعه چند سامانه و استقلال آن کمک کنند.

بدین منظور، ترجمه از ادبیات مرکزی مورد

ادبیات‌هایی که در اقلیت قرار دارند، با در دست داشتن ترجمه‌های بیش‌تر می‌توانند بدون استفاده از کاستیانیو، در دسترسی به آثار ادبی همسایه و همچنین با ترویج هر چه بیش‌تر آثار خود، مورد حمایت قرار گیرند

یکی از ویژگی‌های جامعه ادبیات بینابینی تخصصی، این است که یک هویت خاص متوازی با ادبیات ملی می‌سازد

بین سامانه‌های مختلف ادبیات کودک و نوجوان است. گرایش کنونی، گرایش به ترجمه هر چه بیش‌تر از آثار یکدیگر است؛ علی‌الخصوص در حوزه کودک و نوجوان. این مسئله چه از لحاظ ارقام کامل و چه از لحاظ درصدی (از بین تمامی ترجمه‌ها نسبت به هر ادبیات)، در همه جوامع، به استثنای آن‌هایی که از کاتالان به گایگو و از کاتالان به ائوسکراست، بدیهی به نظر می‌رسد.

بدین ترتیب، تصویرها و الگوهای دانش‌نامه‌ای، از ادبیاتی به ادبیات دیگر می‌روند و در عین حال، همواره جزو سنت مشترک کل یا بخش اعظمی از جامعه ادبیات بینابینی تخصصی است. گرایش عمومی، نزدیکی هر چه بیش‌تر میان این حیطه‌های ادبیاتی است. جا دارد هم چنین به این مسئله که این گرایش به نزدیکی، نگارش متون را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد، اشاره کنیم؛ چرا که ناشران ترجیح می‌دهند مراجع فرهنگی در تمام این جامعه تقسیم شود. یعنی ادبیات کودک و نوجوان فرهنگ‌های مختلف، تشکیل دهنده این جامعه می‌شوند.

در نتیجه، یک فرآیند همه‌گیر در سطح این جامعه توسعه می‌یابد که از تصویر واحد آن حمایت کند. بدون شک، توسعه متوازی ادبیات‌ها و فرهنگ‌های حاشیه‌ای، مانع حذف هویت آن‌ها می‌شود. پس می‌توانیم بگوییم که این هویت دوگانه که هم متعلق به خود و هم جامعه ادبیات ملی است، هر دم استحکام بیش‌تری می‌یابد.

پی‌نوشت:

۱- این پژوهش، جزو پروژه تحقیقاتی «تاریخ تطبیقی ادبیات، با رویکرد به سلطه ایریک» است.

برخی ناشران کودک و نوجوان چند سامانه‌های حاشیه‌ای (به‌عنوان مثال انتشارات کاتالان La galera و انتشارات گایگو Kalandraka) استفاده شده. این چیزی نیست جز گسترش بیش‌تر ادبیات آن‌ها و کاهش مخارج تولید و چاپ؛ علی‌الخصوص در کتاب‌های گران‌قیمتی مانند آلبوم‌های مصور (کتاب‌های پرتصویر).

از طرف دیگر، ترجمه‌های انجام شده در بین ادبیات حاشیه‌ای، با افزودن والنسیانو، آستوریانو، آراگونس و آرانس، امروزه چه از طریق نشر مشترک و چه به شکل‌های دیگر (در حالی که رابطه همه آن‌ها را استحکام می‌بخشند)، رو به افزایش است. مثلاً Lose ditoen Asoc (ناشران متحد)، ترجمه‌هایی بین بسیاری از زبان‌ها و گونه‌های حاشیه‌ای جامعه ادبیات بینابینی تخصصی اسپانیایی منتشر می‌کنند؛ از ائوسکرا به گایگو، از آستوریانو به آراگونس، از کاتالان به والنسیانو... این مجموعه‌ها باعث رشد و توسعه ادبیات حاشیه‌ای، شناخت و تأثیر متقابل آن‌ها و تبادل آثار و الگوها و نیز نهایت نزدیکی و قرابت آن‌ها می‌شود.

نتیجه فراگیر و کلی تمامی گرایش‌ها نام برده، در جامعه ادبیات بینابینی تخصصی اسپانیایی، در حال حاضر یک حرکت کلی برای قرابت و نزدیکی، از طریق ترجمه‌های انجام شده در